

باسمه تعالی

حوزه علمیه الزهراء علیها السلام ارومیه

عنوان:

بررسی مصداقی تفسیر آیات 4 تا 8 سوره اسراء از منظر مرحوم طبرسی و

علامه طباطبائی

صدیقه علامی

تابستان ۱۴۰۴

چکیده

ازجمله پرچالش‌ترین مباحث تفسیری سوره اسراء، تطبیق و مصداق‌یابی آیات ۴ تا ۸ این سوره مبارکه است. بحث از آیات مذکوره از دو حیث حائز اهمیت است که جهت اول آن بررسی تفسیر این آیات از باب بررسی سنن الهی و قوانین حتمی خداوند است و جهت دوم، مقایسه دو مکتب تفسیری مختلف قدیم و معاصر با یکدیگر و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را در خصوص مصداق خارجی این دو وعده الهی است. نوشته حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش است که «تفسیر و مصادیق آیات ۴ تا ۸ سوره اسراء از منظر مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی چگونه است؟». این مقاله با پرسش‌های جزئی، در ابتدا به بررسی کلام مرحوم طبرسی و سپس به بررسی کلام مرحوم علامه پرداخته و نتایج بدست آمده را با هم مقایسه می‌کند. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تطبیق آیات تابع بحث‌های روایی و تاریخی است، بررسی این دو مکتب تفسیری نیز به نتیجه واحد بیانجامد. نوشته پیشه رو به صورت تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است.

کلیدواژه

سوره اسراء، آیات وعید بنی اسرائیل، افساد بنی اسرائیل، تفسیر المیزان، تفسیر مجمع البیان

مقدمه:

در آیات ۴ الی ۸ سوره اسراء به دو بار افساد بنی اسرائیل بر روی زمین و عاقبت آنها و عذاب الهی که در پی افسادشان بود اشاره شده است. در میان تفاسیر اختلاف وجود دارد که آیا این افساد ها آیا اتفاق افتاده اند یا در آینده واقع خواهند شد؟ یا اینکه باید قائل به تفصیل شویم. اگر قائل به وقوع این افساد و به دنبال آن عذاب الهی شدیم، این افساد چه موقعی روی داده است ؟ و عذاب چگونه نازل گشته است؟

این نوشتار نظر مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی در این زمینه را بررسی و مقایسه می کند؛ و به دنبال پاسخ این سوال است که تفسیر و مصادیق آیات ۴ تا ۸ سوره اسراء از منظر مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی چگونه است؟

برای پاسخ به این سوالات لازم است به سوالات زیر نیز پاسخ دهیم که عبارتند از:

۱. تفسیر و مصادیق آیات ۴ تا ۸ سوره اسراء از منظر مرحوم طبرسی چگونه است؟

۲. تفسیر و مصادیق آیات ۴ تا ۸ سوره اسراء از منظر علامه طباطبایی چگونه است؟

۳. شباهت ها و تفاوت ها بین تفسیر و مصادیق آیات ۴ تا ۸ سوره اسراء از منظر مرحوم

طبرسی و علامه طباطبایی چگونه است؟

در این موضوع یک پایان نامه و هفت مقاله به رشته تحریر درآمده است. لکن برخی از آنها صرفاً به بررسی مفاد آیات و واژگان پرداخته اند. برخی دیگر سعی در نقد انظار گذشته داشته

و خواسته اند با مبنای خود، نظریه رقیب برای آراء پیشینیان مطرح کنند. و برخی تنها به بررسی تاریخی و تاثیر تشکیل رژیم صهیونی بر آراء را بررسی و نظریه پردازی کرده اند.

لکن نوشته حاضر بدون دخالت و ارائه نظریه جدید، خواسته دو مکتب تفسیری مجمع البیان و المیزان را بررسی و بایکدیگر -در زمینه مصداق این آیات- مقایسه کند. و این مهم امر بدیعی است.

اهمیت این تحقیق از آنجایی نشأت میگیرد که قوم یهود در طول تاریخ جنایات فراوانی علیه بشریت و انبیای الهی انجام داده است. بعد از تشکیل رژیم غاصب اکنون اوج جنایات آنها در فلسطین اشغالی در حال تحقق است. از طرفی با بررسی سنن الهی و قوانین حتمی خداوند بر عالم، در میابیم که در خصوص بنی اسرائیل و در قبال افساد آنها خداوند وعده عذاب داده. وقایع اخیر و صحبت از این آیات ذهن انسان را به این سمت میبرد که آیا این واقعه خارجی مصداق آن آیات است؟

از طرفی نویسنده سعی دارد دو مکتب تفسیری مختلف را که یکی قدیم و دیگری معاصر است؛ با یکدیگر مقایسه کرده، شباهت ها و تفاوت های آنها را در خصوص مصداق خارجی این دو وعده الهی بیان کند.

روش تحلیل). مقاله حاضر با مراجعه به هر یک از دو تفسیر مذکور جست و جو می کند که آیا نویسنده قائل به این است که هر دو افساد و وعید آنها قبل از اسلام محقق شده اند یا اقلاً یکی از آنها محقق شده است یا نه؟ اگر قائل به تحقق باشند، افساد آنها و وعید خداوند در کدام تاریخ و دوران بوده؟ و اگر محقق نشده است، در چه زمانی محقق خواهد شد؟

نظر علامه طباطبائی

مرحوم علامه، بعد از اینکه در ذیل آیات شریفه روایاتی را که مضمون آنها تطبیق بنی اسرائیل و افساد آنها بر وقایع بعد از رحلت نبی مکرم صلی الله علیه و آله است، را ذکر کرد. سپس ایشان در کنار این روایات می افزاید که روایاتی داریم در این زمینه که هر فسادى در بنی اسرائیل اتفاق بی افتد طبق النعل بالنعل بذای شما هم روی خواهد دارد.

در ادامه ایشان ذکر می کند که داستان مصداقی دو افساد بنی اسرائیل به سبب اختلاف روایات، مختلف است و آنها را ذکر نمی کند. اما می گوید با اینکه در قوم بنی اسرائیل حوادث های گوناگون تاریخی روی داده است - خصوصا بعد از اینکه دارای حکومت شده بودند - ؛ اما مسلم این است که یکی از آن دو موردی که خداوند وعده آن را داده بود توسط «بخت نصر» اتفاق افتاده است و تا هفتاد سال در زیر ظلم او بودند تا اینکه کوروش پادشا ایران بر بابل مسلط شد و آنها را مجددا آزاد و هیکل را دوباره باز سازی کرد. این ظاهر تاریخ یهود است.

اما آنچه دوباره از تاریخ آنها بدست می آید، این است که در بار دوم قیصر روم اسیانوس است که وزیر خود یعنی طوطوز را روانه سرزمین فلسطین می کند و بیت المقدس را تخریب می کند.

در آخر ایشان می گویند:

«و ليس من البعيد أن يكون الحادثان هما المرادتان في الآيات فإن الحوادث الأخرى لم تفن جمعهم و لم تذهب بملكهم و استقلالهم بالمرّة لكن نازله بخت نصر ذهب بجمعهم و

سؤددهم إلى زمن كورش ثم اجتمع شملهم بعده برهه ثم غلب عليهم الروم و أذهبت بقوتهم و شوكتهم فلم يزالوا على ذلك إلى زمن ظهور الإسلام.»^٩

^٩ . الميزان في تفسير القرآن، ج ١٣، ص ٤٤

مقایسه دو نظر

با توجه به آنچه گفته شد، واضح می شود که علامه طباطبایی به خلاف مرحوم طبرسی نظر خود را در مورد واقعه اظهار می دارد و دو مورد را تعیین می کنند لکن صاحب مجمع البیان به دلیل تعدد و اختلاف روایات، نظری در این مورد ارائه نمی دهد و صرفاً به بیان اقوال و احتمالات مختلف می پردازد.

همچنین باید افزود که ازجمله شباهت های این دو تفسیر این بود که هر دو، قائل بودند که این دو وعده الهی قبل از ظهور اسلام محقق شده است. و مراد از «عباداً لنا» لزوماً افراد مخلص و مومن نیست همانطور که مراد از «لردننا علیهم الکرة» ظهور و دلالتی بر اینکه هر دو اتفاق توسط یک قوم بوده باشد، ندارد.

اما اختلاف مرحوم طبرسی و علامه از حیث تطبیق از این جهت است که ظاهر عبارت مرحوم طبرسی عدم قطع یا ظن به یکی از رویداد هاست (هرچند اجمالاً قائل به وقوع آن است ولی در تعیین آن نظری را اظهار نفرموده بودند).

به خلاف مرحوم علامه طباطبایی که ظاهر کلام ایشان (یعنی اینکه آن دو واقعه را بعید نمی دانند) نشان از این دارد که ایشان علاوه بر اینکه پذیرفته اند هر دو اتفاق قبل از ظهور دین مبین اسلام روی داده است؛ با تکیه بر تاریخ یهود، تاریخ اول و دوم را هم مشخص نموده اند.

نتیجه

مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی، هر دو قائل بر این هستند که این دو وعده الهی در گذشته محقق شده است. و هر دوی این وعده ها، قبل از ظهور اسلام است. لکن مرحوم طبرسی، اطمینان یا ظن به هیچ یک از احتمالات نداشته است و هیچ موردی از احتمالات را معین نفرموده اند. به خلاف علامه طباطبایی که قائل است وعده اول توسط «بخت نصر» و وعده دوم توسط پادشاه روم و وزیرش طوطوز، محقق شده است.

به نظر می رسد علت اینکه نظر مرحوم علامه طباطبایی به صاحب مجمع البیان نزدیک تر است تا سائر تفاسیر هم عصر ایشان، این است که تطبیق و مصداق یابی آیات خصوصاً زمانی که در ذیل آن روایاتی موجود باشد، بحثی نقلی خواهد بود و تفاوتی میان دو مکتب تفسیری نیست.

منابع

- «مجمع البيان فى تفسير القرآن»، طبرسى، فضل بن حسن، دار المعرفه، بيروت، چاپ دوم ۱۴۰۸ ه.ق.
- «شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم»، حميرى، نشوان بن سعيد، دار الفكر، دمشق، چاپ اول ۱۴۲۰ ه.ق.
- «المرصع فى الآباء و الأمّهات و الأبناء و البنات و الأذواء و الذّوات»، ابن اثير، مبارك بن محمد، نشر عالم الكتب، بيروت، چاپ اول ۱۴۱۲ ه.ق.
- «مجمع البحرين»، طريحي، فخر الدين بن محمد، مكتبه المرتضويه، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۵ ه.ش.
- «تاج العروس من جواهر القاموس»، مرتضى زبيدى، محمد بن محمد، دار الفكر، بيروت، چاپ اول ۱۴۱۴ ه.ق.
- «الميزان فى تفسير القرآن»، طباطبائى، سيد محمد حسين، قم: بنياد علمى و فكرى علامه طباطبائى، چاپ ۱۳۶۳